

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیمین بهبهانی

(علمی-پژوهشی)

ابراهیم ابراهیم‌تبار^۱

چکیده

ادبیات، تابلوی اندیشه‌ها و احساسات شاعر نسبت به کلیه رویدادهایی است که در دنیای اطراف رخ می‌دهد. شعرا، حوادث و وقایع موجود جامعه را ابتدا ترصید، سپس تجربه و احساس می‌کنند و با کمک ذوق و عنصر تخیل آنها را به تصویر می‌کشند تا خواننده را به درک صحیح از آن فضا، راهنمایی کنند. یکی از شاعرانی که در ترسیم فضای سیاسی-اجتماعی عصر خود، بسیار موفق عمل کرده و مثل دیگر شاعران پایداری، نگران سرنوشت آینده مردم کشورش بوده؛ سیمین بهبهانی است. قلب او برای مردم و وطن اسلامی، می‌تپد. این نوع از اندیشه‌های پایداری؛ مقابله با رژیم طاغوت، ظلم‌ستیزی و تشویق مردم برای حفظ وطن و آرمان؛ و گسترش عدالت و مبارزه با بی‌هویتی، هدف او بوده و در اشعارش انعکاس یافته‌است.

نگارنده در این جستار در پی پاسخ به این سؤال است که بازتاب ادبیات پایداری در شعر سیمین چگونه بوده و کدام یک از مؤلفه‌های پایداری در اشعار او بیشتر جلوه داشته‌است؟ بررسی‌های به عمل آمده، نشان می‌دهد که گونه‌های مختلف مؤلفه‌های پایداری در اشعار سیمین متجلی شده‌است. یکی از مهمترین مؤلفه‌های آن، مقاومت در برابر دشمن خارجی، انزجار از جنگ و از عوامل دشمن درونی آن، مبارزه با فقر است. او شاعر دردمندی است که لحظه‌ای از مردم جدا نبوده و برای پاسداری از کشور، اشعار پرشوری را در وصف شجاعت رزمندگان و عظمت شهدا و در حمایت از دفاع مقدس سروده‌است.

واژه‌های کلیدی: سیمین بهبهانی، ادبیات پایداری، شهید، فقر.

^۱ . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

ebrahimtabar_bora@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

۱- مقدمه

ادبیات هر ملت، بازتاب وقایع و حوادثی است که در آن جامعه رخ می‌دهد. شاعران و نویسندگان که در قبال مردم و کشور تعهد دارند، طبیعی است که در برابر حوادث موجود واکنش نشان می‌دهند و رسالت ملی خود را نسبت به جامعه ادا می‌کنند؛ آنها به کمک شگردها و ترفندهای ادبی، اتفاقات جامعه خود را در قالب شعر و نثر می‌ریزند و به مخاطبان عرضه می‌کنند؛ به بیان دیگر، آثار این دسته از شاعران و نویسندگان، درحقیقت، آینه تمام‌نمای زندگی اجتماعی عصرشان است و اصلاً زندگی آنها به نوشته‌ها وابسته است. مارگریت دوراس می‌گوید: «یگانه وطنم، نوشته‌است؛ کلمه‌است. می‌نویسم پس نمی‌میرم» (دوراس، ۱۳۷۶: ۲۰). یکی از سوختگان شاعر که سراسر عمرش را در نوشته‌ها و اشعارش توطّن گزیده؛ شاعر بزرگ معاصر، سیمین بهبهانی است.

سیمین شاعر، نویسنده، محقق و مترجم در سال (۱۳۰۶ ه. ش) در تهران به دنیا آمد. وی در خانواده‌ای پرورش یافت که همه اهل علم و دین بودند. پدرش، عباس خلیلی و مادرش، فخر عظمی ارغون، هر دو از برجستگان علم و ادب و از فعالان سیاست ایران و صاحب چندین آثار و آشنا به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسوی بودند؛ سیمین در چنین خانواده‌ای که در فضای آن، سیاست و عشق و ادب و اجتماع به هم گره خورده بود؛ زندگی کرد.

ذوق و قریحه خدادادی و تلاش و کوشش شاعر، سبب گردید که جدایی پدر از مادر (اگر چه تلخ بود)، با این همه گرانباری، چیزی از اراده آهنین او نکاهد. وی طعم تلخ فقر و بدبختی و مشکلات زندگی را از نزدیک چشید و همه آنها را در اشعارش انعکاس داده است. درحقیقت «مفهوم مورد نظر دانشمندان علوم اجتماعی و ادبی در باب ادب پایداری، همان مفهوم مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم و ضد ظلم و بیدادگری است» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۹: ۲۳۹) در اشعارش به وضوح دیده می‌شود. سیمین، اولین شعرش را که در سیزده سالگی در موضوع فقر سروده بود؛ در نزد پروین اعتصامی خواند و با

جدّیت در سرزمین خلق آثار قدم برداشت. به قول خود «من کارم را از چهارده سالگی با توجه به مسائل اجتماعی آغاز کرده‌ام و هرگز به مسائل عاطفی بی‌توجه نبوده‌ام، شعرم تجربه لحظه‌هاست؛ گویی زمان و لحظه‌ها را جرعه جرعه نوشیدم؛ گاه تلخ، و گاه شیرین ... با جوانی‌ام، جوانی کردم، شور بر آوردم و با خشمم به خروش آمدم» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۱۴).

وی در عصری که شب‌های ستم طولانی شده بود و کسی رنگ صبح آزادی را نمی‌دید و حتی بوی آن را احساس نمی‌کرد، صدای فواره روشنی، ایستادگی و مبارزه را در برابر ظلم و استبداد سرداد. او در برج عاج نشسته و از راه دور سخنان زیبا نگفته بود؛ بلکه در میان مردم کوچه و بازار حضور داشته و فریاد خشم و آوای توفنده ملت را علیه دشمن داخلی (رژیم طاغوت) و دشمنان خارجی (استعمارگران) به گوش جهانیان رسانده است.

سروده‌هایش از بداهت و تازگی سرشار است. در دهه‌های اخیر در غزل تعمقی کرد و به طرز تازه‌ای در غزل دست یافت؛ از این رو، پژوهشگران معاصر او را «نیمای غزل می‌نامند» (حق‌شناس، ۱۳۶۱: مقدمه)؛ اما نباید تصور کرد این که سیمین غرق در تلطیف اوزان عروضی شده و برای تجانس محور نامطبوع و کم مستعمل، تلاش وافر کرده است و یا غور در مسائل عاطفی و عاشقی وی را بر آن داشت که شاعر از توجه به توده مردم و دردهای آن‌ها و حتی از رسالت اجتماعی غافل شده باشد! هرگز؛ از مجموع هشت دفتر شعر که در مجموعه اشعارش گردآوری شده؛ چهار دفتر آن به مضامین اجتماعی و سیاسی اشاره مستقیم دارد؛ می‌توان به دفتر «جای پا» (۱۳۳۵) در مضامین اجتماعی به ویژه فقر؛ و رستاخیز (۱۳۴۲-۱۳۵۲) به افشای ستم رژیم طاغوت؛ و «خطی ز سرعت و از آتش» (۱۳۶۰-۱۳۵۲) به دفاع مقدس و انزجار از جنگ و توجه به شهدا و جانبازان، همچنین دفتر «یک دریچه آزادی» (۱۳۷۴-۱۳۶۲) و «دشت ارژن» (۱۳۶۰-۱۳۶۲) علاوه بر مضامین گوناگون در مضامین پایداری سروده شدند؛ اشاره کرد. هدف این پژوهش این بوده تا بیان کند که مسائل عاطفی، هرگز شاعر را از بیان دردهای اجتماعی و سیاست و مسائل موجود در کشور، غافل نکرده؛ بلکه برعکس، برای مبارزه با فقر اقتصادی و آزادی زندانیان سیاسی با رژیم پهلوی به مبارزه برخاست و در این راه برای بیان واقعیت هیچ ترسی به خود

راه نداد. گفت و گوی سیمین با رژیم پهلوی در افشای فساد اخلاقی، دزدی، سرکوب مبارزان و ایجاد ارباب در کشور به طور مستقیم بوده. این صراحت لهجه او یادآور فریاد بی پروای پروین است که گفت:

روز شکار پیرزنی با قباد گفت: کز آتش فساد تو، جز دود آه نیست...

(پروین، ۱۳۸۷: ۳۲۶)

و از سویی، قصیده کوبنده و مطمئن سعدی را در اذهان تداعی می کند:

به نوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای کون که نوبت تست ای ملک به عدل گرای...

(سعدی، ۱۳۶۳: ۷۴۵)

بدین ترتیب، می توان گفت یکی از امتیازات برجسته اشعار سیمین، ابعاد گسترده مضامین و موضوعات است «از آیات قرآنی و احادیث تا سخنان بودا و مسیح و از فلسفه و تاریخ تا طنز عامیانه و اساطیر ایرانی و غربی در اشعار او جا دارند» (میلانی، ۱۳۸۳: ۱۸۲). البته موضوع ادبیات مقاومت و پایداری را بر آن باید افزود.

۱-۱- بیان مسئله

سیمین یکی از شاعران نواندیش و صاحب سبک در شعر معاصر است که جنبه های گوناگون اشعارش کمتر مورد توجه ادب پژوهان قرار گرفته است و تاکنون نگاه پژوهشگران بیشتر به قالب و فرم غزل و بدعت های نیمایی اشعارش معطوف گردیده و از واکاوی در زوایای پنهان اندیشه او که در لایه لایه های اشعار او موجود است، اجتناب کردند. با توجّهی چند در دفاتر اشعار سیمین در می یابید که وی علاوه بر مضامین عاشقانه و اجتماعی به جلوه های ادبیات پایداری توجه داشته است. این پژوهش در پی آن است تا اشعار سیمین را براساس ادبیات مقاومت مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و برای این پرسش که آیا ادبیات پایداری در اشعار سیمین بازتاب داشته است؟ و اگر چنین است مهمترین مؤلفه های آن چیست؟ پاسخ بیابد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

هیچ پژوهش مستقلی درباره بررسی ادبیات پایداری و مؤلفه‌های آن در اشعار سیمین صورت نگرفته است؛ اما برخی از پژوهشگران در بخش‌هایی از آثارشان به صورت پراکنده و جزئی، اشاره‌ای مختصر و کم‌رنگ به برخی از مؤلفه‌های آن داشته‌اند:

- احمد ابو محبوب در کتاب «گهواره سبز افرا» (۱۳۸۲) نگاهی به بررسی بعضی از مضامین شعر سیمین داشته است. نگارنده در این مقاله به موضوعاتی که به ادب مقاومت از جمله: فقر، ظلم و ... اشاره داشته، بهره گرفته است.

- کاوس حسن‌لی (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین» به عناصر مؤثر در زندگی شاعر پرداخته است.

- همچنین در باب معرفی مقوله‌های ادبیات پایداری می‌توان به آثار ذیل از جمله احمد امیری خراسانی (۱۳۷۸) در کتاب «نامه پایداری» و محمدصادق بصیری (۱۳۸۸) در کتاب «سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی» اشاره نمود.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

تأمل و پژوهش در حوزه شعر و ادب پایداری و تبیین ابعاد گوناگون آن، یکی از ضرورت‌های انکارناپذیری است که خوشبختانه در اشعار اکثر شاعران این جریان، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است؛ اما در مورد اشعار سیمین، این موضوع تا به امروز، مورد توجه جدی پژوهشگران و اصحاب قلم قرار نگرفته است؛ چرا که غور در بیان مسائل عاشقانه (که خود حدیث مفصلی است) و بدعت در غزل فارسی و طرز تازه، محققان را از توجه به بازتاب گسترده مؤلفه‌های پایداری در شعر سیمین بازداشته است در حالی که او به دلیل احساسات صادقانه در تصویر درست از اجتماع و سیاست و ... موفق بوده و با خلق اشعاری کم نظیر، جایگاه خاصی را در ادبیات غنایی و مقاومت به خود اختصاص داده است. به همین منظور در مقاله حاضر سعی شده است تا مؤلفه‌های ادبیات پایداری به

گونه‌ای جزئی‌تر و مبسوط‌تر مورد بررسی قرار گیرد اما پیش از آن به دیدگاه پژوهشگران در باب گونه ادبیات پایداری می‌پردازیم.

۲- بحث

ادبیات پایداری، یکی از گونه‌های مهم ادبی در دوران معاصر محسوب می‌شود که در باب حوزه‌های مختلف و تبیین ابعاد گسترده آن، مباحث مفصل انجام شده است. در این پژوهش به دو مقوله کلیات و مؤلفه‌های آن به اختصار اشاره می‌گردد:

۲-۱- ادبیات پایداری

در باره ادبیات پایداری، تعاریف گوناگونی از سوی پژوهشگران ارائه شده است. در این قسمت به ذکر چند نمونه اکتفا می‌گردد: «ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه که حیات مادی و معنوی آنها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶)؛ همچنین در تعریف دیگر از ادبیات پایداری آمده است: «این نوع ادبیات تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، غضب سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرد. بنابراین، جان مایه این آثار با بیداد داخلی و یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (سنگری، ۱۳۸۱: ۲۶). از تعاریفی که در باب ادبیات پایداری ارائه گردیده، می‌توان استنباط کرد که این گونه ادبی به کلیه آثار اطلاق می‌گردد که در شرایط خاص اجتماعی و یا اوضاع سیاسی متراکم و بغض‌انگیز حاکم بر کشور که کسی جرأت بیان حقیقت و بروز اندیشه را ندارد؛ پردازد.

در حقیقت این نوع ادبی، تحرک و پویایی و فریاد خشم یک ملت علیه حاکم ظالمی است که آزادی و آسایش و عدالت و رفاه مردم را به غارت برده و حدیثی جز ظلم و اختناق نجوا نمی‌کند. در برابر این رفتار خشن، صدای مقاوم و جاوید گویندگان پرجرأتی قرار دارد که در افشای ظلم و تهاجم عدالت سوز از بیان واقعیت‌های جامعه با تصویربرداری از فرهنگ

غنی آن کشور هیچ ابایی ندارند؛ با تلفیق کلیه تعاریف و مصادیق آمده در ادبیات پایداری، مهمترین وجه مشترک شاعران در تعهد و انجام رسالت است به تعبیر دقیق‌تر «شناسه اصلی در ادبیات پایداری، عنصر تعهد است» (بصیری، ۱۳۸۴: ۹۳).

۲-۲- مؤلفه‌های ادبیات پایداری

مطالعه در آثار برخی از پژوهشگرانی که در زمینه ادبیات پایداری آثاری پدید آوردند، عناصری را به عنوان مقوله‌های ادب پایداری از جمله: وطن، مقاومت در برابر دشمن، (دفاع از کشور) صلح‌دوستی، مبارزه با ظلم، فقر ستیزی، اشاعه اخلاق دینی و وطنی، نشر فرهنگ و ارزش‌های آیینی، ترویج روحیه شهادت‌طلبی، مبارزه با فساد، ذمّ حرص و آزادی‌خواهی نام بردند؛ به‌طور کلی در شعر فارسی، دعوت به پایداری را می‌توان در سه بخش تقسیم کرد: «۱- پایداری در برابر دشمن خارجی ۲- پایداری در برابر دشمن داخلی و نابرابری‌های جامعه ۳- پایداری در برابر نفس» (صهبا، ۱۳۸۴: ۳۱۳). در اشعار سیمین به غیر از مورد سوم (پایداری نفس)، که تنها یک مورد دیده شده، سایر مؤلفه‌ها بیشترین کاربرد را دارد؛ همچنین گونه «ملی و میهنی که دکتر سنگری بدان اشاره کرده» (سنگری، ۱۳۸۶: ۶)، بر این مؤلفه‌ها باید افزود. این پژوهش با رهیافتی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش اسنادی-کتابخانه‌ای، مؤلفه‌های ادب پایداری را در مجموعه اشعار سیمین مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲-۲-۱- پایداری در برابر دشمن خارجی

سیمین به عنوان شاعری متعهد و درد آشنا، قدم به قدم، با مردم کشورش در مبارزه با تهاجم بیگانگان همراه بوده؛ و پر شورترین اشعارش را در این زمینه سروده است.

۲-۲-۱-۱- شعر انقلابی، مبارزه مردمی

انقلاب عظیم اسلامی ایران، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حوادث تاریخی معاصر شناخته شده؛ که نه تنها در منطقه، بلکه در دنیا بازتاب وسیعی داشته است؛ از آنجا که ادبیات، بازتاب حوادث سیاسی-اجتماعی کشور است؛ طبیعی است که انقلابی با این وسعت و عظمت، همه عناصر جامعه را تحت الشعاع خویش قرار دهد از سویی مسئولیت شاعران و نویسندگان در

قبال تبیین صحنه‌های مبارزه و تصویر انقلاب، بیشتر از دیگران خواهد بود؛ زیرا «اگر شاعر در برابر این رخداد بزرگ و فراگیر از خود خلاقیتی نشان نمی‌داد در واقع پیش از ملت به هستی خود به عنوان هنرمند خیانت کرده‌است» (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۸۴۶).

سیمین از جمله شاعران بزرگ معاصر محسوب می‌شود و به جرأت می‌توان اذعان کرد که بخشی از دفاتر اشعارش به انقلاب و جنگ و مبارزات مردم و شهدا، اشاره مستقیم دارد. دفتر «خطی ز سرعت و از آتش» (۶۰-۱۳۵۲) نمونه‌ای از روح بیداری اسلامی و مبارزه مردمی است و صدای مبارزات مردم در آن شنیده می‌شود؛ این که گفته‌اند: «با انقلاب همه چیز تغییر می‌یابد، طبقه‌ای که تولیدکننده و عرضه‌کننده فرهنگ است و شاعر خود را جزو آن طبقه می‌دانست و در آن رشد کرد...» (گوهران، ۱۳۸۵: ۱۱۲) به وضوح در اشعار سیمین دیده می‌شود؛ علاوه بر فضای عمومی شعر، واژگان نیز رنگ مبارزه به خود می‌گیرند: از جمله: واژه «سرب» و ترکیبات «عایق سربی»، «قانون سربی»، «غبار سربی» و خون (۲۰ بار) و آتش (۳۲ بار) در اشعار این دوره دیده می‌شود. سیمین در برابر رژیم ستم شاهی به خاطر ایجاد فضای اختناق و خفقان و وضع قانون مستبدانه طاغوت در کشور اعتراض می‌کند و یکی از بهترین غزل‌های سیاسی و انقلابی خود را که مربوط به تیر ماه (۱۳۵۷) است، با عنوان «چنین قانون سربی» می‌سراید:

با چنین قانون سربی، خاموشی را ناگزیرم
با چنین قانون سربی، هر چه زشتی می‌پسندم، هر چه خواری می‌پذیرم
با سکوتی، بی‌کلامی، گر توان گفتن پیامی
جام تلخ شو کران کو تا به شیرینی بگیرم

(سیمین، ۱۳۹۱: ۵۱۹)

۲-۱-۲-۲- مبارزه با طاغوت

شاعر، در برابر ستم طاغوت ساکت نمی‌نشیند. وقتی حادثه عظیم ۱۷ شهریور سال (۱۳۵۷) رخ داد و تعداد زیادی از انقلابیان به شهادت رسیدند، با ملت انقلابی، ابراز همدردی و انزجار خود را از دستگاه امنیتی کشور (ساواک) اعلام کرد و سکوت سرد سیاهی که بر سراسر کشور سایه شومش را پراکنده بود و با ایجاد رعب و وحشت، هر صدایی را در نطفه خفه می‌کردند؛ فریاد کشید و بر جور جائران، نفرین فرستاد و طلوع صبح پیروزی را به انتظار نشست.

چه سکوت سرد سیاهی! چه سکوت سرد سیاهی!
 نه فراغ ریزش اشکی نه فروغ شعله آهی
 من و بانگ نفرت و نفرین که نمانده چاره به جز این

(سیمین، ۱۳۹۱: ۵۸۴)

شایع بود که طاغوت وقتی انقلابیان مبارز را به شهادت می‌رساند، برای تحویل جنازه شهیدان، مبلغی را بابت گلوله سربی به عنوان «گرامت» طلب می‌کردند! سیمین بارها در اشعارش از رفتار رژیم اعتراض کرد و به افشاگری آن‌ها پرداخت:

آن سرب برادر کش را گویند که تاوان باید

(همان: ۵۸۵)

در ادامه این فضای سیاسی که ساواک نای گویندگان و نویسندگان را می‌برید و قلم آنها را می‌شکست، کسی جرأت گفتن حقیقت را نداشت و حتی روزنامه‌نگاران هم اعتصاب کردند؛ قطعه شعری را در وصف حال این عزیزان با عنوان «سفره چرمین» سرود:

بر سفره چرمین، امشب یک نامه و یک دفتر کو؟
 بس نای فشردند اینجا تا خود ز نو افتد حق...
 زین قوم ستم پرور را تیغی چو قلم - بر سر کو؟

(سیمین، ۱۳۹۱: ۵۸۶)

۲-۱-۳- عدم سازش با رژیم

با نزدیک شدن پیروزی انقلاب، شور و هیجان مردم برای بر هم زدن سلطنت بیشتر و بیشتر می‌شد، مبارزان با آمدن در کوچه‌ها و خیابان‌ها، فریاد پیروزی الله اکبر سر می‌دادند؛ از طرفی رژیم که خطر را بیش از پیش احساس می‌کرد، عرصه را تنگ و تنگ‌تر می‌نمود؛ اما مردم ترسی نداشتند و فریاد می‌زدند:

«تکبیر گو به هر سو، فریاد خوان به هر کو/ این تیر بود و آن هم؛ تن را گرفت و جان هم /... وحشت فرا شبی بود، نفرین بر هر لبی بود/ کای مرگ و ننگ و نفرت، بر آیت ستم باد» (همان: ۵۸۹). در این لحظات تاریخی و سرنوشت ساز، استاد جوان (کامران نجات

اللهی) به شهادت می‌رسد. سیمین با شنیدن این خبر، بسیار متأثر شد و مردم را به «عدم سازش» با دشمن و ادامه مبارزه تا سرنگونی رژیم فرا خواند:

سازش مپسندید با هیچ بهانه کز خون شهیدان رودی ست روانه...

(همان: ۵۹۱)

۲-۲-۱-۴- جنگ

دو سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران ناخواسته درگیر جنگ تحمیلی شد. این جنگ از جهاتی با جنگ‌های دنیا فرق داشت؛ رشادت، عشق و ایثار از صفات بارز این دفاع مقدس بود. حضور فعال مردم در صحنه و حمایت همه جانبه از رزمندگان، بر ارزش و اهمیت دفاع مقدس افزود؛ شاعران و نویسندگان دوشادوش مردم، صحنه‌های رزم را در آثارشان به زیبایی انعکاس دادند؛ از این رو، مقوله ادبیات مقاومت و پایداری نه تنها در آثار مردان، بلکه در آثار زنان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است؛ به تعبیر دیگر «بعد از انقلاب اسلامی، شعر زنان درست به مانند مردان از مسائل اسلامی و ارزش‌های اسلامی و انقلاب متأثر شد» (یاحقی، ۱۳۷۴: ۲۸۴). سیمین بهیانی از جمله شاعرانی است که به توصیف صحنه‌های جنگ و دفاع مقدس و تشویق رزمندگان و مردم پرداخته؛ به گونه‌ای که دامنه تأثیر آن علاوه بر همه شئون حیات و هستی مردم، جای ویژه‌ای در اشعار او باز کرده است و در دفتر «خطی ز سرعت و آتش» سروده:

... زان روز که عالم را در خون و جنون دیدم پرهیختن از جنگم سر لوحه فرهنگ است

(سیمین، ۱۳۹۱: ۶۰۵)

سیمین از جنگ به عنوان «مبادا» یاد می‌کند؛ که به زور بر کشورش تحمیل شده است:

ما نمی‌خواستیم، اما هست جنگ این دوزخ شررزا هست

گفته بودم که: هان، مبادا؛ جنگ دیدم اکنون که آن «مبادا» هست

(همان: ۶۱۳)

شاعر، بر اساس این باور دیرینه که در نهاد همه مردم ایران صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز وجود داشته و دارد، هرگز طالب جنگ نبوده و نیست. اگر دشمن بیگانه به

این جانبازان و معلولان از حوادث بزرگ تاریخ‌اند: «در واقع هر حادثه شاخص اجتماعی - سیاسی به گونه‌ای در شعر سیمین بازتاب دارد و به وضوح خود را نشان می‌دهد که به صورت سندی ادبی برای آیندگان باقی خواهد ماند» (ابومحبوب، ۱۳۸۷: ۲۶۲). وقتی شاعر در هلال احمر، مردی را می‌بیند که شلوارش تا خورده‌است و یک پا ندارد و احتمالاً سنش به بیست سال هم نمی‌رسد و برای رفتن به اتاق‌ها و تهیه داروها، صدای تق تق عصای او در راهرو پیچیده در چنین وضعی عاطفه عمیق شاعر به این جوان معطوف گردید و احساس مادری‌اش گل کرد (گویا زیباترین حس، حس مادرانه‌است)؛ و غزل زیبایی را در دفتر «یک دریچه آزادی» در وصف این جوان معلول سروده:

شـلوار تـا خورده دارد	مردی که یک پا ندارد
تق تق کنان چوبدستش	روی زمین می‌نهد مهر
با آنکه ثبت حضورش	حاجت امضا ندارد

(سیمین، ۱۳۹۱: ۸۶۸)

این غزل، بی‌شک از غزلیات جانسوز و حزن‌انگیز و در عین حال پرجذبه اشعار سیمین محسوب می‌شود و همچون شعر زیبای «بنی آدم اعضای یکدیگرند» (سعدی، ۱۳۶۳: ۷۰)، جهانی شده‌است؛ به تعبیر بهتر «وقتی شعری از من شاعر و حدیث نفس فراتر می‌رود و جنبه دیگر دوستی به خود می‌گیرد، بی‌گمان گروهی بیشتر را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا عوالم انسانی، تحول و وسعتی فراخ دامن داد، آنچه موجب وسعت تأثیر شعر می‌شود و به خصوص در دوام و بقای آن مؤثر می‌افتد، کلیت و اشتغال معنی و جوهر سخن است» (یوسفی، ۱۳۵۶: ۷۵۹).

۲-۱-۲-۵- شهید

قرآن کریم درباره مقام و منزلت شهید فرموده: «گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند؛ آنها در نزد پروردگارشان زنده‌اند و به آنها روزی داده می‌شود» (آل عمران: ۱۶۹). همچنین در باب شکوه و عظمت شهید و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی و حتی در ادیان

توحیدی سخنان زیادی گفته و نوشته شده‌است و توصیف ایثارگری و رشادت آنها در جای جای اوراق ادبیات به وفور دیده می‌شود. سیمین از جمله شاعرانی است که در باب قدر و منزلت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی شعر سروده است. وی زمانی که مردم به مبارزه با رژیم پهلوی برخاستند و با خون خودشان انقلاب را به پیروزی رساندند با آنها همراه بود. وقتی که انقلاب در ۲۲ بهمن ماه به پیروزی رسید، سه روز بعد، یعنی در روز ۲۵ بهمن ماه (۱۳۵۷) شعر مشهور «او قلب تاریخ است» را به شهدای انقلاب تقدیم کرد:

او قلب تاریخ است محتاج دفتر نیست
او روح ایمان است جز عین باور نیست...

(سیمین، ۱۳۹۱: ۵۹۳)

در شهریور ماه سال (۱۳۵۹) که جنگ تحمیلی آغاز شد، مثل ایام انقلاب، در کنار رزمندگان و مردم قرار گرفت و به توصیف شجاعت و دلیر مردی و رشادت «مردان خدا» پرداخت. وی شعر «بنویس، بنویس، بنویس» را به مدافعان خونین شهر و همه شهرهای ایران تقدیم و از مقام شهید تجلیل و تمجید کرد:

نستوه، نستوه مردا این شیر دل، این تکاور
بشکوه، بشکوه، مرگا! این از وطن پاسداری
بنویس از آنان که گفتند: یا مرگ، یا سرفرازی

(همان: ۶۱۹)

و یا شعر «گردن آویز» را هنگامی که شاعر در سال (۱۳۶۷) به بهشت زهرا وارد شد، دید مادری بر روی سنگ قبر عزیزش گریه می‌کند، متأثر شده و شعر زیر را سروده:

چشمش دودانۀ انگور از خوشه‌ها جدا مانده
آویزه کرده بر گردن بندش به هم گره خورده...

(همان: ۸۷۰)

در قطعه «تندیس آهویت مبارک» شاعر به شهدا سلام می‌دهد و به حجله‌شان که با رنگ‌های سرخ و بنفش و ارغوانی چراغانی شده، ابراز احساسات می‌کند:

در خاطر، ای شهر، اما با هر چراغی هست داغی
آن حجله‌ها را با شهیدان از یاد من کی می‌زدایی (همان: ۸۸۴)

۲-۲-۱-۶- فلسطین

مسئله فلسطین از بدو انقلاب اسلامی مورد توجه مسئولان نظام و مردم بوده است. مبارزات مردم علیه صهیونیست‌های غاصب که سرزمین این مردم بی‌دفاع و بیچاره را اشغال کرده‌اند، ادامه دارد؛ هر روز تعدادی از مردم بی‌دفاع به بهانه‌های مختلف به شهادت می‌رسند. در سال (۱۳۶۱) وقتی «صبرا و شتیلا» دو منطقه فلسطین قتل عام شدند، سیمین با مردم فلسطین ابراز همدردی و با فردی خیالی به نام «سارا» در قطعه شعر: «سارا چه شادمان بودی» دردهای نهفته درون خود را واگویی کرد:

با قوم خود بگو، سارا! هرگز نبوده تا امروز
یک لحظه خشم و بی‌زاری با مردم فلسطینت ...

(همان: ۷۲۸)

این گفت‌وگوی سیمین با سارای درون شاعر، یادآور شعر «سرود بزرگ» سروده احمد شاملو است. وی با مردم ویتنام که توسط آمریکایی‌ها این کشور ویران شده بود، ابراز همدردی می‌کند و با فردی خیالی به نام «شن چو»، رفیق ناشناس کره‌ای، سخن می‌گوید:

شن - چو! کجاست جنگ؟ ... در خانه تو در کره... برادرک زردپوست‌ام!

(شاملو، ۱۳۸۰: ۷۷)

۲-۲-۲- پایداری در برابر دشمن داخلی

با مطالعه اشعار سیمین، نشان می‌دهد که شاعر از تحولات اجتماعی برکنار نمانده و از مهم‌ترین عوامل اجتماعی، فقر، عدالت، حقوق زنان و ... را می‌توان در اشعارش نام برد:

۲-۲-۱- فقر

یکی دیگر از جلوه‌های چشمگیر پایداری در شعر سیمین، مبارزه با فقر است. فقر، این دغدغه دیرین بشر، همواره ذهن شاعر را به خود مشغول داشته؛ به گونه‌ای که بخشی از

اشعار دفتر «جای پا» در مضمون فقر سروده شده‌است. او خواستار اجرای عدالت و برابری در جامعه‌است؛ بدین منظور، اولین شعر سیمین که در سن چهارده سالگی سروده شده بود در باب فقر است؛ این شعر در روزنامه «نوبهار» به چاپ رسید:

«ای توده گرسنه نالان چه می کنی ای ملت فقیر و پریشان چه می کنی»

(ابومحbob، ۱۳۸۲: ۳۰)

همچنین اشعاری با عناوین: «صبر کن ماه دگر» (۲۷۳)، «سرود نان» (۲۴)، «خون بها» (۷۷)، «کارمند» (۷۴)، «معلم و شاگرد» (۶۳)، «دندان مرده» (۳۳)، «شب و نان» (۲۵۹)، «جیب‌بر» (۳۷) و ... درباره فقر سروده شدند. این بخش از اشعار، دلنشین‌تر و جذاب‌تر از سایر بخش‌هاست. شاید علتش این باشد که از درون شاعر جوشیده و طعم تلخ آن را در دوران کودکی چشیده!

هیچ دانی ز چه در زندانم دست در جیب جوانی بردم
ناز شستی نه به چنگ آورده ناگهان سیلی سختی خوردم

(سیمین، ۱۳۹۱: ۳۷)

وی فقر اقتصادی را عامل رواج بدبختی و فساد می‌داند که جامعه را به زوال و تباهی می‌کشاند و مفاسد اخلاقی را گسترش می‌دهد و این امر سبب می‌گردد تا کانون خانواده از هم پاشد، با نگاه عمیق و کنجکاوانه، ریشه اصلی این درد مردم خوار را نشان می‌دهد که این مشکل از کجا برمی‌خیزد؛ بخشی از سروده‌های او به انواع زنان بزهکار از جمله: «رقاصه» (۵۶)، «نغمه روسبی» (۲۱) و ... اشاره دارد که از ذکر آن در این مجال معذوریم.

۲-۲-۲-۲- تأکید بر عدالت

عدالت، تنها یک مفهوم عمومی است که در سراسر تاریخ بشریت وجود داشته و همچون چراغی می‌درخشد؛ ولی از حرارت و روشنایی آن تاکنون کسی بهره‌مند نشده؛ در واقع، کسی طعم واقعی آن را نچشیده‌است؛ شاید همچون سیمرغ و کیمیا تنها نامی از آن باقی مانده باشد! عدالت مربوط به مذهب و دین خاصی نیست در همه ادیان توحیدی

مطرح بوده؛ و یکی از موضوعات مهم در نزد شاعران و نویسندگان محسوب می‌شود. سیمین نیز عدالت را به عنوان حقی اجتماعی می‌نگرد و معتقد است که کشور زمانی آباد و سربلند خواهد بود که عدالت اجرا گردد:

عدالت است این که تیغش نهفته در آستین است
به عدل آنجا نیاز است که ظلم مسندنشین است
(همان: ۵۹۶)

شاعر هشدار می‌دهد که مبادا حقیقت و عدالت در جامعه فراموش شود! زمانی این امر اتفاق می‌افتد که دروغ فراگیر شود و سیم و زر خدا شود:

وقتی که سیم حکم کند، زر خدا شود وقتی دروغ داور هر ماجرا شود
وقتی هوا، هوای تنفس، هوای زیست سرپوش مرگ بر سر صدها صدا شود
(همان: ۴۳۸)

در اشعار سیمین عشق به عدالت، عشق به حق است و مفهومی قرآنی است:
کتاب و میزان و آهن نهفته در آستین است
(همان: ۵۹۶)

وی علی (ع) را مظهر عدالت و مردم‌داری می‌داند و او را به «خورشید دیگر» تشبیه نموده است:
فلک امشب مگر ماهی دگر زاد ز ماه خویش، ماهی خوبتر زاد ...
پدرها بعد ازین هرگز نبینند که مادر چون «علی» دیگر پسر زاد
(همان: ۱۶۵)

۲-۲-۳- تأکید بر آزادی

آزادی، یکی از مفاهیم و مضامین مهم ادبیات پایداری ایران و جهان به شمار می‌رود. در دوره مشروطه به عنوان واژه کلیدی به همراه دو واژه «قانون و کارگر» در ادبیات مورد توجه قرار گرفت. شاعران این دوره از جمله: بهار، میرزاده عشقی، فرخی یزدی و ... بهای گزافی را برای برقراری آن در جامعه پرداختند. این واژه مفاهیم زیادی دارد؛ به ویژه در «فرهنگ سنتی گذشته دو معنی عمده داشته در مفهوم فلسفی و کلامی آن مرادف بود با

حریت و اختیار که مفهوم نقیض جبر را به یاد می‌آورد و در معنای فردی و عرفی آن در برابر بند و زندان قرار گرفت» (یاحقی، ۱۳۷۴: ۱۶). در سروده‌های سیمین، آزادی هم در معنای حریت و آزادی و هم رهایی از زندان ستم‌شاهی به کار رفته است.

سیمین نیز به تبع شاعران ستایشگر آزادی در برابر رژیم طاغوت که آزادی را از مردم سلب کرده بود؛ سخت انتقاد کرد و اشعار زیادی در ستایش آزادی سرود و یک دفتر را با عنوان «یک دریچه آزادی» نام‌گذاری کرد.

یک دریچه آزادی باز کن به زندانم
یک سبوی پر از شادی خرج کن که مهمانم

(سیمین، ۱۳۹۱: ۸۳۵)

وی در شعر «فرشته آزادی» از سکوت و سیاهی زندان رژیم شاه و آثار شکنجه که بر پیکر مبارزان آشکار بود، شکوه می‌کند و می‌گوید که خون آزادگان به خاطر ستم طاقت‌سوز ظالمان به جوش آمده تا پوزۀ اهریمن بدخو را به زمین بکوبند:

مردی بند صبر بگسسته صف کشیدند پیش دشمن خویش
تا سر اهرمن به خاک افتد ای بسا سر جدا شد از تن خویش

(همان: ۸۰)

۲-۲-۲-۴- دفاع از حقوق زن

سیمین به جدایی زن و مرد هیچ اعتقادی ندارد. او معتقد است که اگر در جامعه‌ای ستم باشد به زن و مرد جامعه یکسان ستم می‌شود؛ هیچ دلیلی ندارد که زن‌ها بنشینند و به حال خودشان گریه کنند. از دیدگاه سیمین، زن می‌تواند کشتی شکسته را به ساحل نجات برساند، او مظلوم نیست در هم شکسته و خرد نیست؛ به همان اندازه که از ظالم نفرت دارد، از مظلوم هم بخاطر تحمل ظلم نفرت دارد؛ از این رو، می‌گوید: «من چون زن هستم هر نوع قبول ستم را از سوی زن گناه نابخشودنی می‌دانم و هرگونه دلسوزی و ترحم را بر او توهینی مستقیم به‌شمار می‌آورم؛ مردی که به زن ستم روا دارد، بیمار است و زنی که این ستم را تاب آورد؛ بیمارتر» (سیمین، ۱۳۷۱: ۳۶۱).

یکی از مهمترین موضوعات که در اشعار سیمین بسامد بالایی دارد، «حقوق زنان» است و در حقیقت از کلید واژگان دیوان اشعار او به شمار می‌رود. با توجه به این که سیمین در خانواده‌ای پرورش یافت که دو رکن اصلی خانه یعنی پدرش، خلیلی، نویسنده چندین رمان مشهوری که به اوضاع زن در ایران توجه دارد؛ مادرش نیز در سال (۱۳۰۱) ه.ش به عضویت جمعیت نسوان وطن خواه درآمد و از فعالان حقوق زن در ایران بود؛ پس توجه سیمین به حقوق زنان علاوه بر ذوق شخصی و بعد روشنفکری او، متأثر از خانواده است. وی در قصیده بلند «ای زن» (۹۳)، تئوری عضویت زنان را در خانه شورا و دخالت در سرنوشت خود و کشور مطرح می‌کند:

این سان که در جبین تو می‌بینم کرسی نشین خانه شورایی
بر سرنوشت خویش خداوندی در کار خویش آگه و دانایی

(سیمین، ۱۳۹۱: ۹۴)

در کل، شعر سیمین بیانگر احقاق حقوق زنان و ورود آنان به مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی و بیان عقیده و دخالت در سرنوشت کشور است. او اسارت زن را در دست مرد نمی‌پذیرد و زوایای پر پیچ و خم روح عاطفی زنانه را در اشعارش به نمایش می‌گذارد و به مسائل انسانی زن توجهی ویژه دارد و عقیده دارد: «برابری زن و مرد ایرانی نیازمند تعدیل پاره‌یی از قوانین است» (سیمین، ۱۳۷۸: ۷۸۲).

این بیوه قانونی مرد توانگر در پیش چشم کور قانون ایستاده
زان مایه و ثروت به نام «مهر و کابین» قانون پیشزی چند در دستش نهاده

(همان، ۱۳۹۱: ۳۹۶)

۳- نتیجه‌گیری

سیمین در خانواده‌ای که ادبیات و سیاست از آن جدا نشدنی بود، زندگی و رشد کرده؛ خواه ناخواه تحت تاثیر آن قرار گرفته و به مضامین سیاسی و اجتماعی بیشتر توجه داشته است؛ همچنین به علت شغل او که تدریس بوده، وی را با توده مردم محروم جامعه و دانش آموزان آشنا ساخته، این کمبودهای زندگی مردم در تمام آثارش (از جمله در فعل

مجهول، جیب‌بر و ... دیده می‌شود. وی در طول زندگی پرفراز و نشیبش، شاعری مسئول و متعهد بوده و همیشه از شعرش برای افشای ظلم و ستم خاندان پهلوی استفاده کرده و در ترسیم فضای خفقان، و پر از ظلم زمانه و رواج فقر و مفساد اخلاقی به ویژه چهره درد کشیده مردم، بیان جنایات مستبدان داخلی و خارجی و شرح خیانت آنان؛ و ستایش آزادی و تجلیل از رزمندگان و حمایت از دفاع مقدس و همدردی با آوارگان جنگی و ذم وطن فروشان موفق عمل کرده است. از مجموع هشت (۸) دفتر شعر در چهار دفتر آن بیشترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری وجود دارد، گونه پایداری در برابر دشمن خارجی در دفتر «خطی سرعت و آتش؛ و گونه پایداری در برابر دشمن داخلی در سه دفتر دیگر آن یعنی؛ «جای پا»، «رستاخیز» و «یک دریچه آزادی» مشاهده گردید.

منابع

الف. کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابومحبوب، احمد. (۱۳۸۲). **گهواره سبز افرا**. تهران: نشر ثالث.
- ۳- اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۰). **از پایداری تا پرواز**. چاپ دوم. تهران: نشر روایت فتح الف.
- ۴- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۷). **دیوان اشعار**. حسین بهزاد. تهران: ناشر بهزاد.
- ۵- امیری خراسانی، احمد. (۱۳۷۸). **نامه پایداری** (مجموعه مقاله‌ها). کرمان: بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس.
- ۶- براهنی، رضا. (۱۳۷۱). **طلا در مس**. تهران: ناشر نویسنده.
- ۷- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۴). **طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری**. مجموعه مقاله‌ها اولین کنگره ادبیات پایداری. به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی. کرمان: اداره حفظ آثار دفاع مقدس.
- ۸- _____ (۱۳۸۸). **سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی**. ج ۱. کرمان: دانشگاه باهنر.
- ۹- بهیانی، سیمین. (۱۳۷۸). **یاد بعضی نفرات**. تهران: نشر البرز.
- ۱۰- _____ (۱۳۹۱). **مجموعه اشعار**. تهران: نشر نگاه.
- ۱۱- حق شناس، علی محمد. (۱۳۶۱). **نقد آگاه** (بررسی آثار سیمین) تهران: نشر آگاه.

۱۲- دوراس، مارگریت. (۱۳۷۶). **نوشتن همین و تمام**. ترجمه قاسم رویین. ج اول. تهران: نشر نیلوفر.

۱۳- دهباشی، علی. (۱۳۸۳). **زنی با دامن شعر**. (مجموعه مقاله‌ها)، تهران: نشر نگاه.

۱۴- سعدی. (۱۳۶۳). **کلیات آثار**. به تصحیح محمدعلی فروغی. چ ۶. تهران: امیرکبیر.

۱۵- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۶). **پرسه در سایه خورشید**. چاپ دوم. تهران: لوح زرین.

۱۶- شاملو، احمد. (۱۳۸۰). **مجموعه اشعار**. چ دوم. تهران: نشر نگاه.

۱۷- صهبا، فروغ. (۱۳۸۴). **شعر پایداری هنر مبارزه با دشمنان سه گانه**. مجموعه مقاله‌ها اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی، کرمان: اداره کل حفظ آثار دفاع مقدس.

۱۸- کریمی لاریمی، رضا. (۱۳۸۹). **سیر تحلیلی ادبیات پایداری از گذشته تاکنون**. مجموعه مقاله‌ها فرهنگ عاشورایی و ادبی. قم: نشر یاس نبی.

۱۹- میلانی، فرزانه. (۱۳۸۳). **از نیمه دیگر**. ویژه سیمین بهبهانی (مجموعه مقاله‌ها). تهران: نشر نگاه.

۲۰- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۵). **جویبار لحظه‌ها**. چاپ هفتم. تهران: نشر جامی.

۲۱- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۵). **چشمه روشن**. تهران: نشر علمی.

ب. مقاله‌ها

۲۲- بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۱). **مقاله در انتظار باران**. مجله ایران نامه. دوره ۱۰ ص ۱۷-۳۵.

۲۳- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۵). **بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین**. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. پاییز. شماره ۴۵. ص ۸۵-۱۰۰.

۲۴- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۱). **ادبیات مقاومت**. فصلنامه شعر. ش. ۳۹. صص ۳۶-۲۲.